

## دو نامه از سلطان محمود بن عبدالحمیدخان پادشاه عثمانی

به پادشاهان ایران

### فتحعلی شاه قاجار و محمدشاه قاجار

این دو سند اصیل خطی بقلم تعلیق، آراسته بتذهیب خاص نامه‌های درباری هدیه‌خاندان غفاریست که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به دیوار، قاب گرفته شده است.

مدلول آنها مبین وحدت طلبی اسلامی بین ترك و ایرانی و جلوه دهنده دوستی و برادری (به استشهاد: انما المؤمنون اخوة) بین دولت هم کیش ایران و عثمانی (ترکیه فعلی) است.

مشخصات سند اول: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بقطع ۲/۵ × ۱/۸۰ متر در جدا اول متداخل زرین، اندازه متن ۱/۴۵ × ۰/۶۰ متر در جدول زرین (۰/۱۵ متر)، بین سطور طلاندازی شده، تزیین سرلوح و هامش راست و پایین سند به نقش ختایی شبیه به بافت کشمیری، جدول زرین دارد که در داخل آن به گل و بوته از زر و رنگهای جوهری الوان استفاده شده. سمت چپ بدون حاشیه با خط زنجیری زرین.

عنوان سرلوح بخط ثلث درشت زرین چنین آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، والله على ما نقول و كميل.»

و در داخل هامش سمت راست بخط زرین چنین:

«المؤید المستعین بالله الملك الديان المستمد منه العون في كل حين وآن،  
خادم الحرمين الشريفين السلطان محمود خان ابن السلطان عبدالحميد خان».

### مشخصات سند دوم :

بقطع ۲/۵ × ۰/۸۰ متر در جداول متداخل زرین - اندازه متن ۰/۶۶ × -  
۱/۶۵ متر با سرلوحه ای از بزرگ اندازی متقارن از زر ، طرح بافت کشمیر  
و تا پایین هامش راست یکنواخت ، سمت چپ و پایین حاشیه ندارد عنوان  
سرلوحه بخط زرین درشت چنین است :

«بسم الله الرحمن الرحيم ، والقيت عليك محبة مني»

و در داخل هامش سمت راست بخط زرین چنین :

«المتوكل على الله الكريم المنان ، المفوض امره اليه في كل حال و شان ،  
خادم الحرمين الشريفين السلطان الغازي محمود خان بن السلطان الغازي  
عبدالحميد خان»

### سند اول (به فتحه ليشاه)

قرائت و تسويد و ترجمه از: محمد شيرواني  
(کارشناس نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

بسم الله الرحمن الرحيم

والله على ما نقول وكيل

آرایش گوش مسبحان ملاء اعلى و پیرایه برودوش سروش عالم بالا  
اولمغه لایق و احرى صد هزار گوهر شهوار حمد و سپاس و لآلى شکر و  
ستایش بی قیاس فرمان فرمای کریمه «انى جاعلك للناس اماما»<sup>۱</sup> و تاج بخشای  
شهریاران عدالت پیما تعالی شأنه عن ادراك العقول والخیال و تعاضم سلطانه

۱- ق: (س ۲ به ۱۲۴)

عن النقصان ولزوال حضرتلرینک<sup>۲</sup> تقدیم بار گساه قدرت و اجلال و ترفیع در گاه عظمت و جلالی قلنمغه سزادر که حل و عقد امور و مصالح امت و اظهار شعائر شریعت ایچون آثار لطف و قدرتنی ایضاح ایله هر دم فرخنده مقدمه خواص عبادندن بر بنده محمود الخصالی شرف تشریف خلافت ایله، ممتاز و مختار و بازوی اقتدارینی «السلطان ظل الله یاوی الیه کل مظلوم»<sup>۳</sup> ایله همقدر فلک دوار ایلدی.

و عقود فرایسد درود نامعدود و صلوه مترادفة الورود اول سرور سربیه انبیاء و سالار کتیبیه اصفیامحرم حرم «قاب قوسین او ادنی»<sup>۴</sup> طوطی رنگین نوای «وما ینطق عن الهوی»<sup>۵</sup> فریادرس روز جزا مکحول کحل «ما زاغ البصر و ما طغی»<sup>۶</sup> محمد المصطفی علیه من الصلوة اسناها و من التسلیمات از کاها افندمز حضرتلرینک روضه مظهره ملائک مطاف نبوتینا هرلینه اهداه اولنمغه اولی در که انوار نبوتی ظلمتگداز ضلالت و شرف رسالتی اشعه بخش هدایتدر.

و تحف تحیات طیبات خلفاء راشدین و آل و اولاد و اصحاب گزین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرتاننگ ارواح شریفه لرینه بایسته ایثاردر که منشور افتخارلری «بایهم اقتدیتم اهتدیتم» ایله عنوان طراز اولمشدر و قایحه فاتحه اجابت سانحه حضرات اهل الله قدس اسرارهم الآه روان پاکنه شایسته اتحافدر که اقطاب دوایر ولایت ومددرسان اصحاب صدق و عقیدت اولمشدردر. اما بعد لطف اثنیه خلت نکات خسروانه و اشرف تحیات محبت سمات ملوکانه که خلاصه اخلاص و مودت و نقاوه موالات و صفوتدر؛ اعلی حضرت سامی منزلت، شهریار قمر تنویر، خدیو خورشید نظیر، در یکتای افسر

۲- خوانده شود: حضرت لرینن (حرف کاف، نون خوانده میشود)

۳- سلطان سایه خداوندیست، پناه میگیرد بسوی او هر ستم دیده‌ای

۴- ق: (س: ۵۳ یه ۹) اشاره به معراج حضرت رسول است.

۵- ق: (س: ۵۳ یه ۳)

۶- ق: (س: ۵۳ یه ۱۷)

نامداری، غره غرای جبین بختیاری، مؤسس مبانی جاه و جلال، مشید ارکان  
عزو اقبال. علم افراز خطه سروری، رونق بخشای اورنگ داورى، فریدون  
تخت جم روش، خسرو همایون بخت دارامنش، حامی العباد، حافظ البلاد،  
عمده خاقان سامی نسب، زبده قآن معالی حسب، مالک ممالک ایران زمین،  
کھف الإسلام والمسلمین، فرمانفرمای کشور عجم «فتحعلی شاه» انارالله مایتمناه  
حضور لرینه اهدا و تقدیم و نگار مدعا بو وجهله لوح بیانه تصویر و ترسیم  
قلنور که طرف ملزوم الشرف کامکار یلرندن عالیجاه شیخ الإسلام دین پناه  
فخر العرفاء و دل آگاه «الحاج آقا ابراهیم» دام فضله بلطف الآله و ساطتيله  
نامی سامی القاب. . . . و تیره گرامی نقابگز مشهوده حضور شو کت موفور  
شاهانه مز اولوب.

نسیم خوش هبوب امعان ایله غنچه الفاظی خندیده و دست اطلاع ایله  
برقع شاهد معانیسی بر کشیده قلند قدہ تبریک جلوس میامن مانوس  
خسروانه و تسعید خلافت موروثه شهر یارانہ مزه مبادرت و ذات همایونمزہ  
شرح اخلاص مودت لری ذریعہ انبساط خاطر فیض مظاهر تاجدارانه مز اوله رق،  
صوب صوابنمای خدیو یلرینه میلور کون و خلوص درون صفوتنمون (صفوت  
نمون) شهنشاهانه مزرتبه کماله موصول و بر موجب دفتر ارسال بیوریلان  
هدیه بهیه لری دخی مقله رغبت ایله مشمول اولمشدر، مطلع حب و ودادو  
مشرق مؤاخات و اتحاددن طالع و درخشان اولان نیر خیر مهر و صفوت دولتین  
فخیمتین میانیه لمعه انداز اقبال و بهجت اولوب جهت جامعه اسلامیہ و خلوص  
و مصادقت ذاتیه ملاسه سیله تا کیمد رابطه اخوت دینیہ و تشیید ضابطه ملیه  
عندالطرفین مطلوب و مرعوب اولدیغنه بناء حسن نیت و خلوص طویت ایله  
«انما المؤمنون اخوة» مضمون شریفنه طرفیندن رعایت اولدقجه تحاب و  
تواد و آثار موافقت و اتحاد گوندن گونه مترقی و مز داد اوله جفی . و  
بو ضابطه مستحسنه به جانب شو کت جالب تاجدارانه مزدن بر موجب عهد

و شرط رعایت اولنه رق اهالی ایراندن ممالک محروسه مزه آمد (و) شدایدن حجاج و زوار و تجار و ضرر و گزند اصابت اتمامی و سایر شرایط مسالمتکاری به مغایر اوله جق وضع و حالت وقوعه گلمامسی خصوصاً صرندده همت سنیه جهاندارانه مزبذول قلنه جفی و ارسته قید تفصیلدر.

لهذا مومی الیه قرب بساط جهانبا نیمزه شرف وصوله فائز اولوب مأمور اولدیغی، خدمت رسالتی اجراده اجمل طریق و نسق انیق اوزره سعی اوفی و لوازم سفارتی و وجاها تفهیم و تقدیمی اهم اولان حالاتی علی طریق اللایق ایفا تمکله مزید نوازش و التفات همایونمز ایله مفتخر و مباهی قلندقدن صکره ۷ صوب با صواب شرف انتسابه اشبونامه همایون مسالمت مقر و نمز ایله ۸ مأذون عود و انصراف اولمشدر. ان شاء الله تعالی لدی الوصول جانبیندن منعقد و مؤکد اولان روابط و وثوق و اعتماد استوار و مستحکم اولوب. فیما بعد دخی اشبو دولتین عظیمتینک باعث آسایش انام و موجب آرامش خواص و عوام اوله جق، حسن موالات و مصافاتی حصولیله الی یوم القیام اذکار خیریه مز زیور صحایف ایام اولمغه، همت همایونمز درکار اولدیغی مثل لوزات سنی الصفات شاهیلرینک دخی ۹ دقت و رعایتاری مصروف بیورلمق مأمول خیریت شمول شاهانه مزد، همیشه بدر فیروز بختیاری و شهامت و اختر عالم افروز کامکاری و ابهت از افق اقبال و یگانگی لامع و تابان باد بالنبی و آله الامجاد.

(بیجای امضاء در هاشم سمت راست:)

المؤید المستعین بالله الملك الديان المستمد منه العون فی کل حین و آن،  
خادم الحرمین الشریفین السلطان محمود خان ابن السلطان عبدالحمیدخان،

ترجمه سند اول: نقل بمعنی و تلخیص شده.

صد هزاران گوهر شاهوار حمد و ثنا که شایسته آرایش سر و گوش

۷- صکره (خوانده میشود: صکره) = سوره = سره، یعنی بعداً (قالبی: قبلا - سره: بعداً)

۸- در اصل: مسالمتقر و نمز ایله

۹- دخی بمعنای نیز، همچنین، (= بلهجه ترکی ما: هاها)، دیگر

فرشتگان ولایق پیرایه برودوش کرو بیان عالم بالا باشد و سپاس و ستایش بی اندازه تقدیم آستان آن صاحب فرمان که در این آیه کریمه فرمود:

«انی جاعلك للناس اماما» یعنی من قرار دهنده تو هستم که بر مردمان پیشوا باشی و به پیشگاه آن اعطاء کننده تاج سلطنت به شهریاران داد گستر که برتر و والاتر است شأن او از درك عقول و خیال و سلطنت او بزرگتر از آنست که نقصان و زوال پذیرد.

ادای این سپاس بارگاهی را سزد که دارای قدرت و بزرگی بخشی است که حل و عقد امور و مصالح بندگان بدست اوست. اوست که شعائر و شرایع برایشان آشکار کند و آثار لطف و قدرتش بر بندگان خاصش واضح، او که آدم را بصفات محموده در روی زمین ممتاز و خلیفه گردانید (اشاره به آیه: **یاد اود انا جعلناك خلیفة فی الارض**) و بازوی اقتدار او را صاحب اختیار ساخت (که بمصداق: پادشه سایه خدا باشد - سایه با ذات آشنا باشد) هر ستم دیده‌ای بدو پناه برد.

سپس درود نا معدود و تحیات پیمایی و نا محدود، نثار سرور و سالار لشکر پیمبران و برگزیدگان حق، راز داران حرم کبریائی و به او که (در شب معراج) بمقام قباب قوسین او ادنی رسید (یعنی به خدای چنان نزدیک شد که دو سر کمان بهم نزدیک شود). مرغ خوش-الحنان حقایق که سخن از روی هوا نگوید و فریادرس روز جزا که چشم وجودش چنان از سورمه الهی نوریافت که در دیدار حق نه لغزید و نه طغیان کرد و نه به چپ و نه به راست مایل نشد (با قدرت تملك نفس و درعین حال متحیر). اوست محمد مصطفی که از تحیات بلندترین آنها و از سلامها برگزیده و والای آنها نثار مزار همچون گلستان ملائک پاسیان او باد که جای طواف فرشتگان است او که انوار نبوتش زداینده ظلمت و گمراهی و عزت رسالتش نوربخش هدایت و شاهی است و ارمغانها از تهنیت و درود پیشکش روان پاک فرزندان و یاران گزین او باد. آن یاران که افتخار پیشوائی

برای هدایت امت یافتند. و نیز به ارواح پاک حضرات اهل الله اگر شایسته قبول افتد چه اینان محور ولایت اند و انفس قدس ایشان مدد رسان اهل صدق و عقیدت. اما بعد از لطف در ستایش دوستی آمیز شاهانه و گرامی ترین نشانه های محبت ملوکانه که خلاصه اخلاص و مودت رانشان دهبه پیشگاه اعلی حضرت و الاجاه نور بخش همچون ماه پادشاه بلند بخت کامکار و خورشید تخت دولتیار هوا خواه بندگان نگهدارنده ممالک ایران، پناهگاه مسلمانان فرمانفرمای کشور عجم فتحعلی شاه که خدای به آرزوهایش رساناد تقدیم می گردد و اشعار می دارد که شیخ الاسلام حاجی آقا ابراهیم فرستاده آن دولت مورد الطاف شاهانه قرار گرفت و از مضمون نامه او بحد کافی اطلاع حاصل گردید که نشان دهنده حب و وداد و برادری و اتحاد بود.

و مضامین آن چون نسیم بهاری غنچه های دهن ها را همچون گل خندان بشکفانید بنابراین والبته مصالح اسلامی و مراتب دوستی و یگانگی ایجاب میکند که حال رعایای ایرانی از قبیل حجاج و زوار و تجار رعایت بشود و بموجب عهد و شروط منعقدہ اهالی ایران در بلاد ترك از گزند هر گونه حادثه مصون و محفوظ بمانند و بدین جهت نامبرده در راه اجرای وظایف سفارت و رسالتش مورد التفات شدید و نوازش دولت ما قرار گرفته و بوسیله این نامه افتخار خدمت خواهد داشت و مآذون در اجرای وظایف محولہ خواهد بود انشاء الله بمحض وصول و اطلاع بر مضمون این نامه همایون روابط دوستی موثوق محکم تر گشته و دو دولت بزرگ و سائل آسایش عام و خاص را بیش تر از پیش فراهم خواهند ساخت و دفتر ایام الی یوم القیام حسن نیت همایونی را به ذکر خیر یاد و شاد و ثبت و ضبط خواهند نمود. این نیت خیر از طرف شاه ما به دقت رعایت می شود و آرزو دارد که ستاره اقبال و بختیاری و ماهتاب فیروزی و کامکاری در افق دوستی و یگانگی همیشه لامع و تابان باد بالنبی و آلہ الامجاد.

(سلطان محمود خان پسر سلطان عبدالحمید خان)

## سند دوم به محمد شاه قاجار

قراات و تسوید و ترجمه از : محمد شیروانی  
(کارشناس نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

بسم الله الرحمن الرحيم  
والقیت عليك محبة منی

حمد بی حد و ثنای لایحصى و شکر لایعد و سیاس بی انتها، سیاح و جهانگرد، برق شتاب خیال و ادراک و سیاح عمان پیمای و الاجناب فکر چالاک، مقتضای معنده (معنی ده)، صحت معنای «ما عرفناك حق معرفتك»<sup>۱</sup> ایله رسیده سرحد کنه ذات و صفتی و واصل ساحل حق معرفتی اولمدیفی مسلم اولان جناب مالك الملوك ذوالجلال والجمال عزشانه عن وصمة الانداد والامثال، درگاه کبریا پناه و بارگاه عظمت دستگانه سزادر که براقضای حکمت بالغه صمدانیه ازلیه و ابتغای مشیت سبحانیه لم یزلیه لامعة مشرق الانوار «ولقد کرنا بنی آدم»<sup>۲</sup> و بارقه مطلع الاسرار «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»<sup>۳</sup> پرتو آرای اوج جبین و پیرایه افزای ناصیه صباحت بینلری اولان فرقه متمایزه نوع انسان بعضیلرینی باداعیه استعداد خداداد تعزیز «وجعلنا بعضکم فوق بعض درجات»<sup>۴</sup> ایله بنی نوع میاننده ممتاز و سرسعادت مظهرین تاج و هاج «توتی الملك من تشاء»<sup>۵</sup> ایله سرافرازایدوب مقالید حل و عقد مصالح عباد و بلادی دست نصفت پیوستلرینه تودیع و اعطاء ایله وسیله انتظام شوارد امور و ذریعه آسایش قطان و جمهور ایلمشدر.

۱- از سخنان رسول اکرم (ص)

۲- ق: (س: ۱۷ یه ۷۰) (تکریم انسان و اشرفیت او بر مخلوقات)

۳- ق: (س: ۱۵ یه ۲۶): (شاهکار خلقت او)

۴- ق: (س: ۶ یه ۱۶۵): (ورفعنا بفضکم... صح)

۵- ق: (س: ۳ یه ۲۶) (نشانه قدرت و خواست او)



پادشاهی که پادشاهان را پادشاهی ز پادشاهی اوست  
 عقل در معرض ثنا خوانیش بصفت بی زبان ماهی اوست  
 وصلات صلوات متواصلات و تسنیمات تسلیمات سموسمات سیمیرغ بلند  
 پرواز عقل کل جو ، درك جاه و جلالنده سست جولان و پا در گل دیگران  
 کرم عنان زبان نعمت گویی ذات با کمالنده ناتوان و خامل اولان ، سلطان  
 سریر «لولاك»<sup>۶</sup> و مظهر تشریف «وما ارسلناك»<sup>۷</sup> حبیب خدا و سرور انبیاء  
 علیه افضل الصلوات و از کاهها و اسنی التسلیمات و انماها افندیمز حضرت تلمرینک  
 روضه معطره رضوان عدیل و مرقد مقدس عرش میشلرینه ایثار اولنمق احرا  
 (احری) در کسه حدیث اعجاز تحدیث «لایؤمن احدکم حتی یحب لایخیه ما  
 یحب لنفسه»<sup>۸</sup> ایله رفع بیگانگی و میانیت و ارائه نهج قوم بیگانگی و اخوت  
 قلنمشدر .

زان سروری دهر بر آدم مسلم است کان خاتم نبوت از نسل آدم است  
 بوده است قبله گاه ملائک چو طینتش از رهگذار اوست که کعبه مکرم است  
 و ترضیه مرضیه بی احصا عموماً آل و اصحاب کرام و خصوصاً چارر کن  
 قصر بی قصور اسلام یعنی خلفاء راشدین و نجباء مرابطین و مجاهدین  
 حضراتنگ ارواح طیبه خلد آشیان و مشاهد مبارکه جنان نشانرینه اولسون  
 که : «اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم»<sup>۹</sup> اثر مشهور معتبری اوزره  
 هربری حضر طریق معرفت خیرا و رهنمای سبل سلامت وهدا (هدی) در .  
 اصحاب او که انجم برج هدایت اند پیر و شدن به پرتوشان نهج اقوم است  
 گیرم چو ذیل مکرمت آل و صحب او دست رجا به عروه و ثقاش احکم است  
 اما بعد اعلی حضرت سامی منزلت ، سپهر اقتدار ، خورشید اشتهار ، غره

۶- حدیث قدسی: (لولاك لما خلقت الافلاك)

۷- ق: (س: ۲۱ یه ۱۰۷) وما ارسلناك الا رحمة للعالمین

۸- حدیث نبوی: لایؤمن عبد حتی یحب لایخیه ما یحب لنفسه (من خیر) (حدیث ش ۶۱۰ کتاب شرح شهاب الاخبار) چاپ دانشگاه تصحیح نگارنده

۹- حدیث نبوی ش ۸۷۸ و صحیح آن اینست: «مثل اصحابی کالنجوم من اقتدی بشئ منها اهتدی»

غرای ناصیه بختیاری دره یکتای افسر کاھکاری مہمد بنیان شان و جلال، مشید ارکان عز و اقبال، اریکھ آرای سروری، عمدہ خواقین سامی نسب زبده سلاطین عالی حسب، سمی النبی الامین جمال الاسلام و المسلمین حالا. چاربالش نشین تخت کسری و جم، رقم فرمای قلمرو ممالک جم. فلک بارگاہ، القآن محمدشاه لازال مستفیضان توفیقات الآله حضور مخادنت نشور لرینہ نجبات تحیات خلوص آیات و تحفات تسلیمات و داد ماہیات اهدا و تقدیم و تمثال مدعای مخالصت بو وجهله سجنجل<sup>۱۰</sup> آرای تصویر و ترسیم قلنور کہ شیوہ دھرداھروشنشنہ<sup>۱۱</sup> عالم شئونات مظاهر اورزہ، جبر بزرگوار، نعیم قرار، قاآنیلری فخامت نشان فتحعلی خان علی روحہ سجال الغفران جنابلرینک<sup>۱۲</sup> «ارجعی الی ربک»<sup>۱۳</sup> نہراسند لبیک زن اجابت دار بقایہ رحلت ایلرسی حسب المخادنہ باعث تأثر ہاں و مورث حزن و ملال اولدیغنه مقارن تختگاہ شاھان کیان و اورنگ سلطنت ایرانک بالفیض والاستیہاں ذات معالی سمات داورانہ لرینہ انتقالی بسادی انبساط فؤاد خلوص نہاد و مؤدی نشاط قلب محبت اعتماد اولمشدر جناب خداوند بیچون، الذی تقدست ذاته عن الظنون، مرحوم مشارالیہ، صب صیب المغفرۃ علیہ آسودہ نشین خاک پاک اولدقجہ، ذات برگزیدہ صفات قاآنیلرین زیب دیہیم صحت و رونق اریکہ عافیت ایردک، تاج و تخت شاہیلرین مبارک و میمنت رہین و ہرحال و ہمہ احوالده کردار کیانی لرین خلوص درون و میل خاطر صفوت نمون پادشاہانہ مزنرسیدہ ورتبہ کمال و دولتین فخیمتین میانندہ ایشہ رشتہ جہت جامعہ اسلامیہ ملازم اتصال اولہ رق تأکید رابطہ دینیہ و تشیید ضابطہ ملیہ بین الحضرتین مرغوب و استقراریکجہتی و یگانگی

۱۰- سجنجل: آینہ

۱۱- شنشنہ: عادت، خوی، شیوہ، طبیعت

۱۲- خواندہ میبود: جنابلرینین

۱۳- ق: (س: ۸۹ یہ ۲۸)

مطلوب اولدیغنه بناء حسن نیت و صفای طویت ایله: «انما المؤمنون اخوة»<sup>۱۴</sup> نص کرامت فصی مقتضا سنه طرفیندن رعایت اولندقجه آثار موافقت و اتحاد و انوار تحاب و تواد مانند پرتو آفتاب یوماً فیوماً ، مترقی و مزداد اوله جفی، وارسته ایتان دلیل و بوقاعده حسنه و ضابطه مستحسنة جانب شوکت مناقب تاجدارانه مزون بر موجب عهد و شرط رعایت برله شرایط مسالمتکارینک و قایت و اجرای خصوص لرینه همت سنیه شهنشاهانه مز مبدول قلنه جفی مستغنی قید تفصیله در ، اشبو خصوص خلوص منصوص لری تأکید و اعلان و بین الدولتین العلیتین در گاه اولان حب و ووداد اقتضا سنجه مراسم اخلاص جوازم تبریک و تهنیتی اجرا ایله بر قاترخی مخالفت درونی اشاعت و بیجان ضممنده طرف ملوکانه مزون مخصوص بیوک ایلچی ارسال لایح خاطر پادشاهانه مز اوله رق علمای اعلام سلطنت سنیه مزدن آفاطولی قاضی عسکر لکی پایه سیله بالفعل استانبول قاضیسی و تقویم وقایع خانه عامره و طبع خانه معموره مز ناظری وقایع نویس دولت علیه مز اولوب نشان افتخار ایله ممتاز اولان ، اعلم العلماء المتبحرین ، افضل الفضلا ، المتورعین ، ينبوع الفضل والیقین ، کشف المشکلات الدینییه حلال المعضلات الیقینییه ، مفتاح کنوز الحقایق ، مصباح رموز الدقایق ، المحفوف بصنوف عواطف الملك الاعلی ، مولانا السید محمد اسعد ادام الله تعالی فضائله انتخاب اولنمش و سفیر مشارالیه محول عهده درایت عده سی اولان خدمت رسالتی اجراده اجمل طریق و نسق انیق اوزره<sup>۱۵</sup> سعی اوفی ولو ازم سفارتی علی مایلیق ایفا ایده جکی جهتله نزد قمال نیلرنده موثوق و معتبر طویتله جفی امر مقرر اولمغله، اشبونامه همایون مودت مقرو تمز ایله اعزاز قلنمشدر ان شاء الله تعالی . لدی اسعد الوصول کیفیت معلوم عرفان لزوم کیانی و مرسوم صفحه ضمیر مستنیر قال نیلری اولد و قدده، بعد از این دخی<sup>۱۶</sup> آفتاب ابدی الاشرارق مهر و وفاقلری سپهر موالاتده نور افشان

۱۴- انما المؤمنین اخوة - ق: (س ۴۹ یه ۱۰)

۱۵- اوزره : بنا بر این

۱۶- دخی: بمعنای نیز: همچین، دیگر (به لهجه ترکی ما: داما)

اتفاق اولوب شولکه لازمه اتحاد دين وملت ومهمه اطراف لوازم شریعتدر  
 کما هو حقها رعایت شاهیلریله مرعی اولمق مأمول خیریت شمول پادشاهانه  
 مزد همیشه بهری فیروز بختیاری وشهامت ازافق اقبال ویکانگی لامع و  
 تابان واخترعالم افروز کامکاری درافلاک ائتلاف ویک جهتی درخشان باد  
 بالنبی وآله الامجاد. تحریر آفی اواسط شهر جمادی الآخر سنة احدى وخمسین  
 ومائین والف. نمق فی دار السلطنة العلیة قسطنطنیة المحروسة.  
 (بجای امضاء درهامش سمت راست سند :)

والمتموکل علی الله الکریم المنان، المفوض امره الیه فی کل حال وشان،  
 خادم الحرمین الشریفین السلطان الغازی محمود خان ابن السلطان الغازی  
 عبدالحمیدخان .،

نقل به معنی وترجمه و تلخیص شده سند دوم (به محمد شاه):

سیاس بی اندازه وستایش بی شمار و بی پایان آنقدر که قدرت ادراک وفکر  
 بلند اقتضا دارد صحت معنای «ما عرفناک حق معرفتک» را مسلم در یابد مخصوص  
 پیشگاه مالک الملوک وصاحب جمال وجلال که شان او والاتر از ننگ شریک  
 ومثل گرفتن برای اوست وشایسته درگاه عظیم و کبریایی اوست.  
 او که به اقتضای حکمت بالغه ویکانگی وجاودانیش وبه رسائی اراده  
 پاک وپایداریش بنی آدم را تکریم داد.

(بنا به آیه ولقد کرمناء...) (واین درخشش وفروزش در نیک سازی و  
 آفرینش آدم که زینت بخشی در ناصیه روشن بینان صورت وسیرت انسانست  
 وبر صاحبان تمیز آشکاراست که این نوع انسان را بعضی بر بعضی امتیاز  
 داد بنا باستعدادی که بهر یک عطا کرد هر کسی را در رتبه ای نشانند  
 بنابراین گروهی را بالاتر از گروهی قرار داد وکلید حل وعقد امور و

مصالح بندگان و دادگری در شهرها را بدست ایشان تودیع کرد تا وسیلهٔ انتظام و آسایش عامه باشند و باز آن چنان مالکی را ستایش سزااست که سلطنت سلاطین از او بهم رسد و زبان خرد همچون ماهی در برابرش بی‌زبانست.

و بعد درود پیاپی جانانه و الا به پیشگاه عقل کل عالم که برمسند تکریم الهی تکیه زد و به او خطاب شد که افلاك بخاطر او خلق شده و نمونه این تشریف گشت که وجودش سبب رحمت برای عالمین قرار گرفت. او حبیب خدا و سرور انبیاست که درود آتشین و تهنیت را هر چه و الا تر و سلام و تحیت را هر چه بلندتر و صلوات هر چه بیشتر نثار آستان و مزار معطر و روضه برتر از بهشت عرش مانند او باد که این حدیث معجز آمیز از اوست که: (لایؤمن احدکم ... ایمان نیاورده است هیچ يك از شما مگر اینکه دوست بدارد برای برادر مؤمنش آنچه را که برای خودش دوست می‌دارد از خوبی‌ها.) او این چنین خواست که بیگانگی و جدایی بین ما برداشته شود و راه محکم اتحاد و دوستی نموده گردد.

(معنی شعر:) آدم را از آن جهت تاج تکریم بسرنهادند که خاتم رسل از نسل او شد و کعبه را از آن جهت شرف بخشیدند که از خاکش گل آدم سرشته شد تا قبله گاه انس و ملک گردید. اینک حال رضامندی خواهی بحد بی‌شمار به فرزندان و یاران گرامیش عموماً و بخلفاء راشدین خصوصاً داریم که درباره ایشان فرمود:

(مثل اصحابی کالنجوم...) مثل یاران من همانند ستارگان است که بهر يك اقتدا کنید هدایت شوید. چه ایشان راهنمای سعادت و هدایت و سلامت‌اند. (معنی شعر:) این یاران همچون ستارگان در برج هدایت به آسمان کمک‌شکنان می‌درخشند و ما بایپروی از پرتو ایشان براه قویم سعادت خواهیم رسید و اگر دست بدامن بزرگواری این خاندان و یاران او بزنیم امیدواریم که به دستگیره محکمی متوسل شده باشیم.

اما بعد اعلیحضرت والامنزله صاحب قدرت آسمانی چون خورشید تابان در نامداری، روشن روی در بختیاری، یکتا گهر در تاج پیروزی و کامکاری، بپا دارنده پایه‌های سروری و بزرگی، پاینده ستونهای شرف و نیک بختی آراینده اورنگ مهتری، بزرگ شاهنشاه بالاتبار، برجسته شاهان والا گهر و با اعتبار، همنام رسول امین جمال اسلام و مسلمین، تکیه زده بر تخت کسری و جم، صاحب فرمان خطه عجم، شکوه بار گاهش قاآنی، قامت خر گاهش آسمانی، محمد شاه که پیوسته بهره یابد از توفیقات ربانی. و بحضور بند گانش برگزیده ترین تحیات مخلصانه و بهترین تسلیمات و درود دوستانه بعنوان تحفه تقدیم تمثال آینه آرای مرحوم فتحعلی خان (قاجار) که بنا به روش دهر بدار نعیم قرار گرفت و اگر چه به ندای «ارجعی الی ربك» در حالت رضامندی و خشنودی لبیک اجابت در داد و در مغفرت حق پوشیده شد ولی باعث ملالت و اندوه، گردید.

مقارن این احوال که مقام سلطنت انتقال یافته و تاج و تخت شاهانه که بمبارکی و میمنت در همه احوال بفیض و اهلیت به آن ذات برگزیده صفات میرسید خلوص درون و میل خاطر شاهانه ما ایجاد میکند که بین دو دولت علیه ما رشته کار جهت اتصال جامعه اسلامی مداوم و ملازم باشد.

و مطلوب ما تأکید روابط دینی و استقرار یک جهتی و یگانگی بوده و بنا بر حسن نیت و صفای سیرت باید مدلول «انما المؤمنون اخوة» را رعایت کنیم و برادر باشیم تا آثار یگانگی و اتحاد دوستی همانند پرتو خورشید روز بالای روز در فزونی افتد و شرایط همزیستی بموجب عهد و شروط نگاه داشته شود.

برای اینکه همت بلند ما در این خصوص با خلوص همراه و استوار و مستغنی از تفصیل نموده شود و منصوص و مؤکد و اعلان گردد و نیز مراسم تبریک و تهنیت اجرا شود ایلچی بزرگی که او را مناصبی در کشور ما از لحاظ

فضل و جاه هست و افتخارات و نشانها از ما دریافت داشته بنام سید محمد اسعد انتخاب و بعنوان سفیر اعزام میداریم مشارالیه با درایت کامل و ظایف رسالت خود را عمده دار و به بهترین وجهی کوشش وافی آنقدر که شایسته است با کفایت کامل در اجرای رسالت خود خدمت خواهد کرد انشاء الله تعالی .

این همایون نامه مودت آمیز که وسیله سفیر ارسال میگردد بهنگامی که سعادت وصول یابد کیفیت امر و اخلاص شناخته خواهد شد و بعد از این نیز آرزو مندیم که خورشید مهر وفاق در آسمان موالات نور افشان باشد و این مراتب که لازمه اتحاد دین و ملت و شریعت ماست آنطور که شایسته است و سزاوار شاهنشاهیست رعایت گردد تا ستاره اقبال و کامکاری در آسمان بهم پیوستگی و یک جهتی ماهمیشه درخشان باشد بالنبی و آله الامجاد نوشته نیمه ماه جمادی الثانی سال ۱۲۵۱ و آراسته در پایتخت علیه قسطنطنیه

( سلطان محمود خان پسر سلطان عبدالحمید خان )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

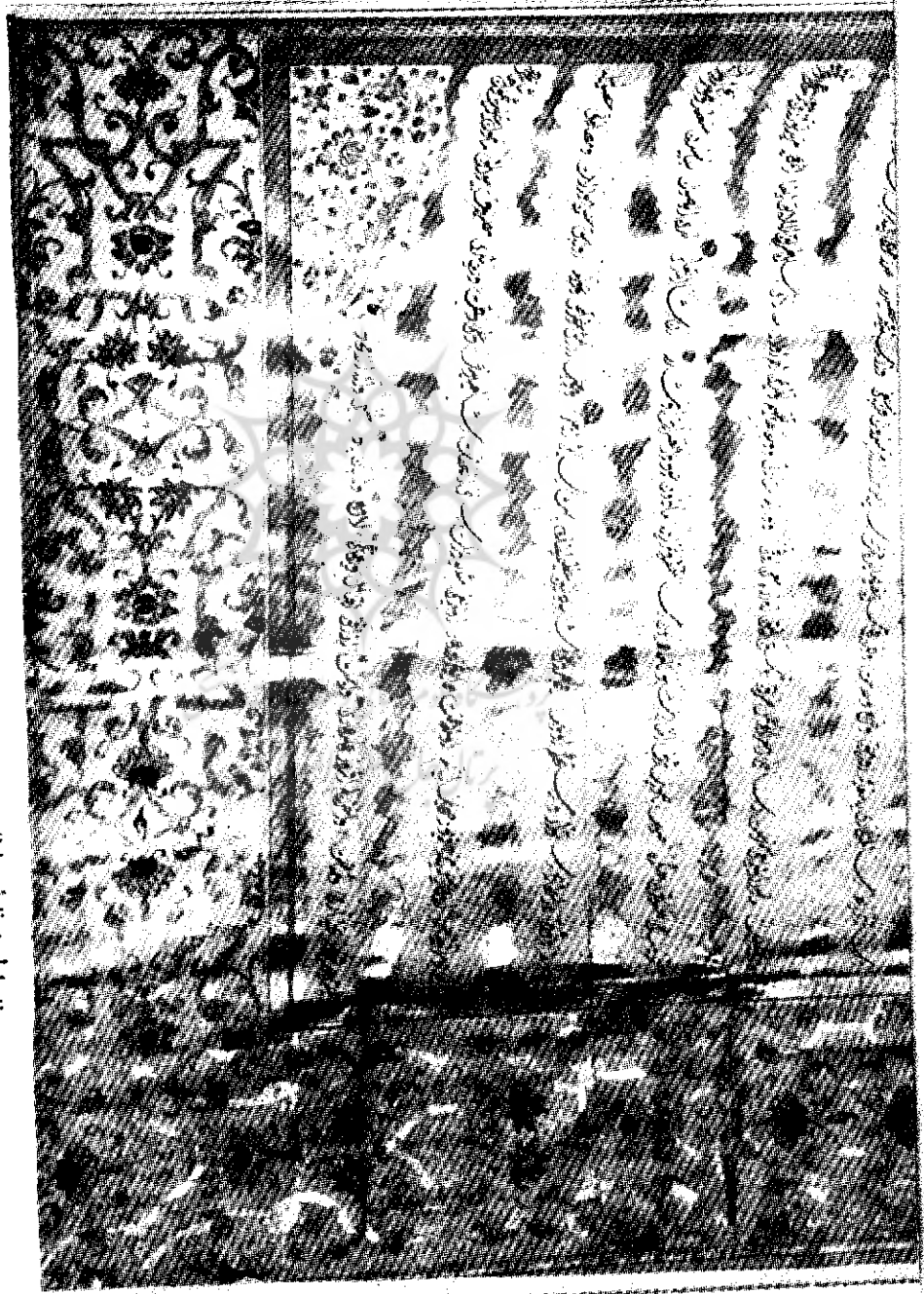


پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





سند اول : نامه سلطان محمود پادشاه عثمانی به قاجار پادشاه ایران





سند دوم : نامه سلطان محمود پادشاه عثمانی به محمد شاه قاجار پادشاه ایران

